

روزها

مدرسه‌ای که بسته شد

میترا امام

● چهارم بهمن مصادف با ۲۴ ژانویه را یونسکو روز آموزش نام‌گذاری کرده است. توجه به آموزش کیفی و مسئولیت نهادهای آموزشی در این روز بررسی می‌شود.

تعاریف یونسکو از سواد حائز اهمیت خاصی است.

یونسکو ۱۲ نوع سواد را مطرح می‌کند که در آن صورت می‌توان گفت فردی در دنیای امروز باسواد است. در رأس این تعریف، سواد عاطفی و سواد ارتباطی قرار دارد.

سواد عاطفی، توانایی برقراری ارتباط مناسب با خانواده و دوستان است.

سواد ارتباطی، توانایی ارتباط با دیگران، با مردم و دانستن آداب اجتماعی است. به یاد بیاوریم رفتار غیرمستعارف افرادی را در جمع که خانواده با افتخار می‌گوید خیلی باهوش و نابغه است. اما طفلک آن چنان سرش در کتاب بوده که ارتباط‌گرفتن برایش مشکل است. این فرد شاید در کنکور ما عالی‌ترین رتبه را به دست آورد ولی از لحاظ روان‌شناسی که ایجاد تغییر پایدار در رفتار را یادگیری می‌داند، متأسفانه چیزی نیاموخته است. در دنیای امروز دانش، انباشت اطلاعات در حافظه، محسوب نمی‌شود، بلکه تجزیه و تحلیل اطلاعات است که با ترکیب تجربه، خرد نامیده می‌شود. دانش‌آموزان سیستم کنکوری ما چقدر دانش و خرد دارند؟

یونسکو یادگیری را ۴ مرحله می‌داند:

- یادگیری برای دانستن
- یادگیری برای عمل‌کردن
- یادگیری برای زیستن
- یادگیری برای با هم زیستن

دنیای آموزش‌وپرورش ما در حد یادگیری برای دانستن توقف کرده است. بیجا نیست که دانشجویان مهارت را پس از دانشگاه در حین کار می‌آموزند. آمار طلاق و آسیب‌های اجتماعی دیگر در بین افراد با تحصیلات عالی زیاد است.

اگر دانش و مهارت آموخته‌شده باعث تغییر معنادر در زندگی انسان شود، این انسان باسواد است. راستی با توجه به دستگاه عریض و طویل آموزش و پرورش، چقدر باسواد داریم؟ جایگاه آموزش صلح، همکاری و مشارکت در آموزش و پرورش رقابتی ما کجاست؟ نظریه رشد اخلاقی «کلیبرگ» استدلال اخلاقی را به پنج مرحله تقسیم می‌کند. طبیعی است که استدلال کودک دبستانی با یک انسان بالغ متفاوت باشد.

اگر در سال‌های دبستان کودک، کار خوب را فقط به خاطر پاداش و منافع شخصی انجام دهد، خرده‌ای بر او نیست.

ولی جراحی که عمل جراحی را فقط در ازای پول انجام می‌دهد، نشان از رشدنیافتن اخلاقی دارد. آموزش و پرورش وظیفه دارد دست‌ کودک را بگیرد و او را با آموزش مناسب همگام با والدین به مرحله بلوغ اخلاقی برساند.

انسان در این مرحله به حقوق و شأن همه مردم احترام می‌گذارد و از نظامی حمایت می‌کند که پاسدار حقوق انسانی است.

در آموزش و پرورش ما چقدر تعاریف فوق صدق می‌کند؟ در مدراسی که هنوز تنها ابزار آموزش فقط مازیک و تخته‌سفید است. سواد رایانه کجا بود؟

این سطح کیفی آموزش ماست که می‌توان درباره‌اش ساعت‌ها نوشت و بیان کرد که چقدر با استانداردهای جهانی بیگانه هستیم.

مسئله به اینجا ختم نمی‌شود. وقتی در حاشیه شهر فعالیت می‌کنی با چهره‌های دیگری از آموزش و پرورش روبه‌رو می‌شوی.

مثلا در آذرماه ۹۸، مدرسه‌ای با ۲۰۰ دانش‌آموز از طرف آموزش و پرورش تعطیل می‌شود، بدون آنکه این نهاد مسئول آموزش به تحصیل این کودکان ببیندش!

این مدرسه ۲۰۰ کودکی را تحت پوشش داشت که از مدارس رسمی جا مانده‌اند. صرف‌نظر از علت این کار، وظیفه ادامه تحصیل این کودکان با کدام نهاد است؟

آیا آموزش و پرورش مسئول آموزش کودکان این مرز و بوم نیست؟
آیا بعد از تعطیلی مدرسه نباید این کودکان را در مدارس دیگری ثبت‌نام می‌کرد؟

تعداد زیادی از این کودکان به کودکان کار پیوستند. اگر قبلا هم کودک کار بودند، حالا ساعات بیشتری مشغول کارند.

مسئول کیست؟

استانداردهای خودمان کدام است؟ شورای عالی آموزش و پرورش منشور حقوق کودک را در ۷ فصل و ۵۴ ماده نوشته است که باید در اختیار دانش‌آموزان قرار گیرد. این منشور کجاست؟ تا اتمثال کودکان شین‌آباد ندانند. تحصیل در چندین سنی حق آنان نیست. تا کودکان منطقه کن بداند تحقیر و توهین و تنبیه بدنی حق آنان نیست.

والدین بدانند مدیران حق اخراج‌کردن کودکان بازگوش از مدرسه را ندارند.

هیچ دانش‌آموزی سر صف به دلیل پرداخت‌نکردن شهریه نباید تحقیر شود و هزاران مورد دیگر.

در این منشور آموزش حقوق کودک و آموزش جنسی نیز توصیه شده است.

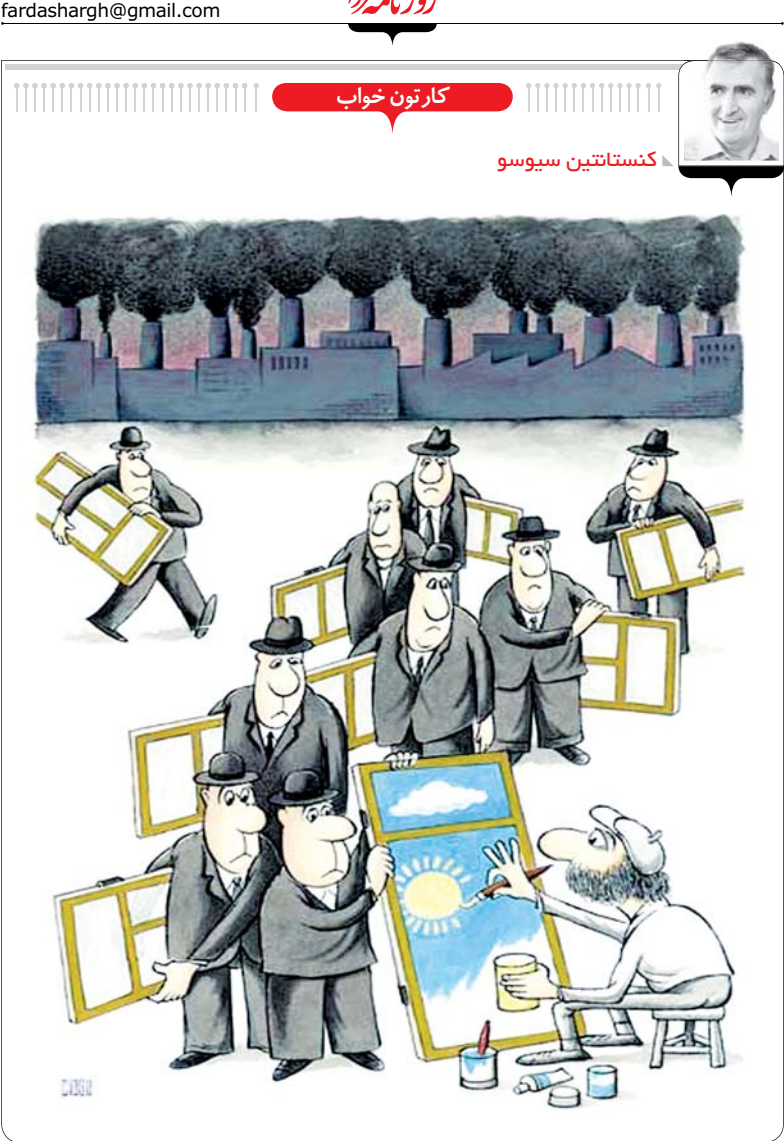
وقت آن نرسیده که آموزش و پرورش در خود بازنگری کند؟

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۶ بهمن ۱۳۹۸ • ۳۰ جمادی‌الاول ۱۴۴۱ • ۲۶ ژانویه ۲۰۲۰ • سال هفدهم • شماره ۳۶۳۳ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۲:۱۷ • اذان مغرب ۱۷:۴۴ • اذان صبح فردا ۵:۴۲ • طلوع آفتاب ۷:۰۸

روزنفرها



کار تون خواب

کنتستانتین سیوسو

حال خوب

«رادمنشی» روایت اخلاقی‌ترین کار

فانزه طباطبایی

ایده رادمنشی پاییز سال گذشته، وقتی در ترافیک تعطیلات تهران- شمال گیر کرده بودیم، شکل گرفت. وقتی داشتیم فکر می‌کردیم که کار خیر فقط خرید مواد غذایی و پوشاک برای نیازمندان نیست، گفتیم یک کار فرهنگی انجام بدهیم. به همه موارد ممکن فکر کردیم؛ مثلا تأسیس یک بنیاد فرهنگی که می‌تواند اثر نیروی طولانی‌مدتی داشته باشد، اما خارج از توان مالی ما بود. به خرید و هدیه‌دادن کتاب فکر کردیم. آن‌هم کاری بود که به بهانه‌های مختلف در طول سال انجام می‌دادیم. به اخلاق فکر کردیم و کم‌رنگ‌شدن توجه به آن و فکر کردیم بودجه اندکمان را صرف توجه به اخلاق و تشویق رادمنشی در کشور کنیم. این شد که ایده جایزه‌دادن به اخلاقی‌ترین رفتار سال شکل گرفت. از اول دی‌ماه کار را شروع کردیم. در صفحه‌های مجازی از مردم خواستیم اخلاقی‌ترین کاری را که در سال ۹۷ دیده‌اند تا آخر بهمن به ما معرفی کنند. از اول اسفند کار بررسی موارد معرفی‌شده و طبقه‌بندی آنها آغاز شد. سپس هیئتی مردمی متشکل از افراد معمولی جامعه و از اقشار مختلف، داوری موارد معرفی‌شده را بر عهده گرفت. در این هیئت از دانش‌آموز ۱۳ساله تا خانم خانه‌دار ۶۴ساله عضو بودند. بر اساس رای هیئت داوران، ۱۰ نفر برگزیده شدند و در جشن کوچکی که ۱۷ اسفند از سوی یکی از حامیان رادمنشی برگزار شد، هدایایی به برگزیدگان اهدا شد. نتیجه بررسی‌ها و فهرست منتخبان سال گذشته در روزنامه «شرق» مورخ

پیشخوان

سینما و ادبیات در غیاب مدیرمسئول

شماره ۷۷ ماهنامه سینما و ادبیات (اولین شماره بعد از فوت همایون خسرودهکردی، مدیرمسئول نشریه) منتشر شد. در این شماره یادنامه‌ای برای مدیرمسئول منتشر شده است که به نکته‌های متفاوتی درباره او اشاره دارد. اما سرمایه‌کار اصلی این شماره یورگوس لاتیمبوس، کارگردان یونانی است که با فیلم‌های «کشتن گوزن مقدس»، «سولگی» و... در میان مخاطبان ایرانی شناخته می‌شود. در بخش سینه‌فیل نیز به‌سراغ روش، یکی از اصیل‌ترین سینه‌فیل‌هایی رفته که مدت کوتاهی از درگذشت او می‌گذرد؛ او جایگاه ویژه‌ای در سینما و ادبیات فرانسه دارد. سینمای اجتماعی ایران

امروز که شما در حال خواندن صدویکمین یادداشت‌م در ستون روزنامه «شرق» هستید، سالگرد تولد من است. حال اگر از من بپرسید که به‌خاطر آوردن روز تولد، چه احساس عاطفی خاصی را در تو بیدار می‌کند؟ بی‌تردید می‌گویم: «حیرت»! حیرت در مقابل جهان هستی! از دوران یونان باستان، حیرت، سرآغاز فلسفه دانسته شده است. در فلسفه قساره‌ای، حیرت نوعی عاطفه فلسفی است که در مرز بین عواطف خودانگیزه و دیگرانگیزه قرار دارد. از این نظر نیز شگفت‌انگیز و حیرت‌آور است که می‌تواند به‌طور غیرمنتظره‌ای دربرگیرنده عواطف دیگری در ما باشد؛ به عبارتی، از خواص مهم حیرت در انسان، احساس گشودگی عاطفی به سوی جهان، به‌ویژه دیگری است. به نظر کارترین مالاپو، فیلسوف معاصر فرانسوی، همه فیلسوفان، حیرت را پایه فاعلیت سیاسی و کنشگری انسان می‌دانند و درجانی برای ظهور و حضور آن قائل می‌شوند. ولی غیبت کامل آن را در وجود انسانی ناممکن می‌دانند. مالاپو، در این میان، از دکارت، اسپینوزا، دلوز و دریدا نقل قول می‌آورد. او در این راستا، روان‌کاوی فروید و لاکان را هم به نقد می‌کشد که همه فرایند ناخودآگاه در انسان را قابل واپس‌زدن و به عقب رانده‌شدن می‌داند

ولی تخریب، غیبت و عدم حضور آن را در انسان زنده پیش از مرگ، امکان‌پذیر نمی‌داند. درحالی‌که یافته‌های علمی امروز در مغزپژوهی و نورولوژی خلاف آن را مطرح می‌کند. مالاپو، علت این غفلت را این می‌داند که همه این فلسفه و روان‌کاوان پیرو فروید و لاکان، در نهایت به استقلال جهان انتزاعی و نمادین، اما جدا از جهان جسمانی ملموس و انضمامی فکر می‌کنند. او به عنوان شاهد مثال، از ژیل دلوز می‌گوید که در تحلیل خود به انگاره «بدن انسان بدون اعضای واقعی» تأکید دارد؛ بدنی که به

سیدحسین موسوی‌چلک رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران

اولین سمینار سالانه سرطان جوانان از سوی مؤسسه خیریه محمدحسین رضوی در هتل استقلال تهران با همکاری مؤسسه‌ها و سازمان‌های مختلف دولتی و غیردولتی از جمله انجمن مددکاران اجتماعی ایران برگزار شد. یکی از گروه‌های هدف مددکاری اجتماعی بیماران‌اند که از جمله این بیماران افراد مبتلا به سرطان هستند. با توجه به بالابودن آمار جوانان در کشور و نگرانی از کاهش سن این بیماری موضوع جوانان و نقش مددکاران اجتماعی در کنار سایر متخصصان از جمله گروه پزشکی و روان‌شناختی بسیار مهم است؛ به‌ویژه اینکه در برخی از این بیماری‌ها، در حال حاضر درمان‌های پزشکی جواب نمی‌دهد چون راه‌های درمان کشف نشده است بنابراین زندگی اجتماعی این افراد باید بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گیرد. در حال حاضر به ابعاد اجتماعی این بیماری بسیار کمتر از سایر حوزه‌ها توجه می‌شود. این در حالی است که غفلت از مؤلفه‌های اجتماعی روی کیفیت و رضایت‌شان تأثیر منفی زیادی خواهد گذاشت و ناامیدی بزرگ‌ترین مانع اجتماعی برای زندگی اجتماعی این افراد است. شاید به همین دلیل است که توجه به ارتقای کیفیت زندگی این افراد که یکی از ماموریت‌های مددکاران اجتماعی است، ضروری



عبدالرحمن نجل‌رحیم مغزپژوه

نظر دلوز می‌تواند در جهان انتزاعی و نمادین، خارج از واقعیت بیولوژیک به حضور خود ادامه دهد. مالاپو می‌خواهد به فلسفه قاره‌ای غرب که خود او نیز به آن تعلق دارد، بگوید که براساس یافته‌های مغزپژوهی و نورولوژیک امروز چنین انگاره‌ای قابل تأیید نیست. مالاپو به یافته‌های آنتونیو داماسیو و الیور ساکس تکیه می‌کند و به مواردی از آسیب‌های نورولوژیک مغزی اشاره می‌کند که افراد توانایی عاطفی و هیجانی خود را نسبت به دنیای بیرون از دست می‌دهند و انسان‌هایی بی‌تفاوت، خونسرد بدون عذوفت و خالی از حیرت می‌شوند. این افراد در جهان بی‌عذوفت خودکنشگری و تأثیرگذاری و تصمیم‌گیری برای سرنوشت خود و دیگران را از دست می‌دهند، بدون اینکه سایر توانایی‌های منطقی و هوشی مغزشان را از دست بدهند. ترومن کاپوتی، نویسنده آمریکایی، در داستان واقعی و مستند خود، «در کمال خونسردی»، نمونه‌ای از این نوع انسان‌ها را معرفی می‌کند. در «پرتقال کوکی»، اثر سینمایی استنلی کوبریک، الکس (شخصیت مرکزی فیلم) وجوه دیگری از انسان بدون عذوفت و خالی از حیرت را به نمایش می‌گذارد. در این میان، مالاپو، از قول داماسیو، به شباهت میان بعضی از موارد نورولوژیک با عارضه مشخص مغزی و کاراکترهای تاتار ساموئل بکت، به‌ویژه «وینی» در نمایش «روزهای خوش» می‌پردازد. وینی که تا نیمه بدن در خاک فرو رفته است، با صدای زنگ روزها را شروع می‌کند و به پایان می‌رساند و از انجام هر کنش معنادار عاطفی نسبت به دنیای پیرامون عاجز‌است و دنیای او خالی از حیرت است. بنابراین، در مغزپژوهی امروز، حیرت، اولین احساس عاطفی برانگیزه‌شده در رابطه مغز با بدن و بن‌مایه درک هستی در ابتدایی‌ترین شکل آن می‌تواند باشد. درست هنگامی که آدمی به‌طور اولیه، مبهم و رازآلود، تشخیص می‌دهد که به عنوان سوزه و فاعل هستی در مقابل دیگری و جهان غیر قرار دارد. حیرت، احساس عاطفی ابتدای و پرفرتری است که از ابتدا تا انتهای زندگی با انسان است و باعث بیداری وجدان جمعی و

مغز اجتماعی-۱۰۱

حیرت

سیاسی انسان می‌شود؛ به عبارت دیگر، این حیرت تکرار‌شونده در طول تجربیات حیات، بن‌مایه حیات آدمی است که در آن نطفه آگاهی از وجود و هستی بسته می‌شود. این حادثه جسمانی مهم، یعنی حیرت، نتیجه ذهن تولیدشده از نقش‌برداری‌های مغزی در جهت تعادل‌بخشی حیات در جغرافیای پیچیده بدن است. به نظر داماسیو تنها ارگه‌هایی پیش‌زیست‌شناختی از این‌بینش را می‌توان در فلسفه اخلاق اسپینوزا جست‌وجو کرد. مالاپو اصرار دارد به فیلسوفان معاصر خود بقیاماند و به آنها هشدار دهد که از یافته‌های مغزپژوهی و نورولوژی نباید غافل ماند و باید آنها را در امر فلسفیدن به کار گرفت. او می‌گوید: در دنیای سرمایه‌داری امروز باید متوجه ضربه‌های عاطفی شدید و مخربی مانند فقر، بی‌خانمانی، مهاجرت، جنگ، تجاوز، زندان، شکنجه و فشارهای سیاسی دیگر بود؛ زیرا این نوع صدمات برخاسته از جوامع انسانی ممکن است که مدارهای مغزی ارتباطی بدن با بخش جلویی و میانی مغز را همچون بیماری‌های نورولوژیک دیگر از کار بیندازد و گشودگی عاطفی به‌سوی جهان و حیرت فلسفی را از انسان بگیرد و از او موجوی بی‌تفاوت و بی‌اعتنا به سرنوشت خود بسازد. متوجه باشیم که افراد سیاست‌مدار برای مهندسی جامعه تحت مدیریت خود به انبوه مردمی بی‌تفاوت نیاز دارند. گشودگی عاطفی، تکاپوی فلسفی همراه با کنش‌های اجتماعی- سیاسی وابسته به آن، مطالبات عدالت‌جویانه و آزادی‌خواهانه را افزایش می‌دهد که بدیهی است نظم موجود آنها را برتاباند. هوشیار باشیم که حیرت را از ما نگیرند. همان‌طور که فلسفه از حیرت آغاز می‌شود، می‌توان گفت انسانیت نیز نیاز به وجود آن دارد. پاسداری از حیرت یعنی گشودگی عاطفی به سوی جهان و حفظ کنشگری اجتماعی- سیاسی ناشی از آن؛ بنابراین زمانی که شاهد منهدم‌شدن این داشته عزیز انسانی، با ترویج بی‌تفاوتی، بی‌رقمی و بی‌عاطفگی گسترده از طریق ایجاد صدمات مغزی با ابزارهای مدرن برای تحمیل هفتمان‌های نمادین هستیم، نمی‌توان تولدی را با وجدانی آرام جشن گرفت.

تلنگر

جوانان، سرطان و تاب‌آوری

عدالت اجتماعی، مهربانی اجتماعی و... نباید غفلت شود. همچنین پذیرش اجتماعی این بیماران در جامعه و محیط‌هایی که حضور پیدا می‌کنند از قبیل مدرسه، دانشگاه، محیط‌های کاری، اماکن عمومی، گروه‌های ورزشی، هنری و... در افزایش امید در این بیماران بسیار مهم هستند.

یکی از مؤلفه‌های اجتماعی اساسی در این بیماری موضوع «تاب‌آوری فردی و اجتماعی» است که در سال ۱۳۹۸ به‌عنوان شعار سال انجمن مددکاران اجتماعی ایران هم انتخاب شده است. معمولا افرادی که تاب‌آوری بالاتری دارند، در مقابل فشارهای ناشی از این بیماری سخت، مدیریت بهتری در رفتار خودشان و افراد با این مهارت، اعطاف‌پذیری اجتماعی بیشتری خواهند داشت. در کنار این مؤلفه‌ها، یک تعیین‌کننده‌های اجتماعی در بیماری سرطان ایجاد بسترها و اتخاذ راهکارهای مناسب برای افزایش تعلق اجتماعی افراد به زندگی اجتماعی مهم است که می‌تواند انگیزه آنان را برای اثربخش بودن و ایفای نقش‌های اجتماعی و مشارکت اجتماعی در امور جامعه در زندگی افزایش دهد. برای ایجاد این شرایط، بیماران باید احساس کنند برای دیگران مهم و قابل احترام هستند که با ترحم و دلسوزی کاملا مغایر است. نظر به اهمیت خودمراقبتی در حوزه کار با بیماران مبتلا به سرطان، مددکاران اجتماعی درباره خودمراقبتی برای این افراد، خانواده‌های آنان و کارکنان مرتبط باید توجه ویژه‌ای داشته باشند. ضمن اینکه از خودشان نیز نباید غافل شوند.

زیر آسمان جهان

دریافت کرد. مسابقه عکس‌های سفر اسمال شامل یک بخش ویژه برای عکاسان جوان است و ایندیگو لارمور، ۱۱ساله از ایرلند، برنده آن شد. او می‌گوید: «کودک‌بودن من سبب می‌شود دنیا را از یک منظر دیگر ببینم. وقتی بزرگ‌تر شوم، دوست دارم عکاس باشم و محیطی را مشاهده کنم که در داستان کسانی را که در هنگام عکاسی با آنها دیدار می‌کنم روایت‌کنم». یکی از بخش‌های این مسابقه به عکس‌های گرفته‌شده با گوشی‌های هوشمند اختصاص داشت که برنده‌ای از آمریکا به دلیل عکس‌برداری از فلائینگوها در اروپا برنده آن شد.

